

بررسی و تحلیل تله محرومیت در سکونت‌گاه‌های روستایی

(مطالعه موردی: شهرستان قصرقند)

اسلام رئیسی*^۱ - محتاج رئیسی^۲

۱- کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

۲- کارشناس ارشد مدیریت بازرگانی، دانشگاه بین‌المللی سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۱/۲۷ صص ۱۸۵-۱۷۵ تاریخ تصویب: ۱۳۹۵/۰۴/۲۸

چکیده

هدف: در نواحی روستایی کشورهای کم‌تر توسعه‌یافته به‌ویژه روستاهای حاشیه‌ای، مسائل متعددی دایره فقر را شکل می‌دهند و پیچیدگی این دایره نیازمند انجام بررسی‌های علمی و سازمان‌یافته است. هدف این پژوهش، ارزیابی میزان فقر و تحلیل زنجیره فقر که رابرت چمبرز از آن به عنوان تله محرومیت یاد کرده در سکونت‌گاه‌های روستایی شهرستان قصرقند است.

روش: روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است و جامعه آماری کلیه ساکنان روستایی در این شهرستان هستند. جامعه آماری شامل ۴۷۳۲۵ نفر و حجم نمونه ۳۳۵ سرپرست خانوار در ۲۴ سکونت‌گاه روستایی است که به روش کوکران به دست آمد. داده‌های تحقیق از طریق مطالعات میدانی (تکمیل پرسش‌نامه) به دست آمد و به روش‌های آماری در نرم‌افزار SPSS از طریق آزمون‌های t تک نمونه‌ای و هم‌بستگی پیرسون مورد پردازش و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان می‌دهد میزان فقر در محدوده مورد مطالعه، بالاتر از حد متوسط نظری است. در این میان به ترتیب، شاخص‌های بی‌قدرتی (۴/۰۳) و انزوا (۳/۷۸) و شاخص فقر خانوار (۳/۲۸) پایین‌ترین درجه میانگین از میزان فقر را به خود اختصاص داده‌اند. این مسأله به طور غالب، بیان‌گر ضعف جدی بنیان‌های اقتصاد روستایی (به‌ویژه در بخش کشاورزی) و فقدان دسترسی کافی به امکانات زیر بنایی و تولیدی است.

محدودیت‌ها و راه‌بردها: محدودیت‌های این پژوهش شامل ضعف هم‌کاری بسیاری از سازمان‌ها در ارائه اطلاعات آماری مربوطه به بهانه محرمانه بودن، وجود مشکلات مالی در جمع‌آوری اطلاعات میدانی و فاصله زیاد نقاط روستایی محدوده پژوهش بوده است.

راه کارهای عملی: نیاز است تا سیاست‌گذاری‌های مناسب و برنامه‌ریزی‌های سامان‌دهی و توسعه زیرساخت‌های باغداری (خرما و انبه) و فرآوری و بسته‌بندی محصولات در بخش مرکزی و ساربوک و هم‌چنین، سامان‌دهی صیادی، دامداری و زراعت بخش تلنگ به منظور رفع یا کاهش فقر و به تبع آن، بهبود کیفیت زندگی در نواحی روستایی شهرستان قصرقند انجام شود.

اصالت و ارزش: این پژوهش ضمن ارزیابی میزان فقر، زنجیره درونی بین شاخص‌های فقر یا همان تله محرومیت را در رهیافتی جامع مورد پردازش و تحلیل قرار داده است که در نوع خود در منطقه مورد مطالعه تازگی دارد. نتایج این پژوهش می‌تواند در آگاه‌سازی سیاست‌گذاران و مسؤولان محلی و منطقه‌ای از چالش‌های فقر و اولویت‌های آن در محدوده مورد مطالعه مؤثر باشد و توسط دستگاه‌های متولی توسعه روستایی از جمله استانداری، فرمانداری، جهاد کشاورزی، بنیاد مسکن و غیره برای برنامه‌ریزی هدفمندتر مورد استفاده قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: میزان فقر، تله محرومیت، سکونت‌گاه‌های روستایی، شهرستان قصرقند

ارجاع: رئیسی، ا. و رئیسی، م. (۱۳۹۵). بررسی و تحلیل تله محرومیت در سکونت‌گاه‌های روستایی (مطالعه موردی: شهرستان قصرقند).

مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، (۴)۵، ۱۷۵-۱۸۵.

<http://dx.doi.org/10.22067/jrpp.v5i4.55146>

۱. مقدمه

۱.۱. طرح مسأله

اعتقاد بر این است که اغلب فقرای جهان، روستایی هستند (داوان^۱، ۱۳۸۸، ص. ۱۹۱) و فقر در نواحی روستایی رایج و مزمن است. با این حال، وجود فقر به دلیل ابهام و به وسیله بحث قوی مربوط به صفا و سادگی روستایی پنهان می‌شود (وودز^۲، ۱۳۹۰، ص. ۴۶۳). موضوع فقر و اندازه‌گیری آن و نیز راه‌های مختلف فقرزدایی در ادبیات اقتصادی و توسعه، جایگاه ویژه‌ای دارد و این جایگاه در دهه‌های گذشته اهمیت بیشتری در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی کشورهای دنیا، به‌ویژه کشورهای توسعه‌نیافته، پیدا کرده است. در ایران نیز توجه به مسأله فقر و فقرزدایی متأثر از یک موج جهانی بود که کشورهای توسعه‌نیافته را بیش از سایر کشورها تحت تأثیر قرار داده است (پیرایی و شهسوار، ۱۳۸۸، ص. ۲۳۵). منظور از فقر، وجود شرایطی است که درآمد یا مخارج افراد و خانوار خیلی کم بوده و از همه مهم‌تر دسترسی به آموزش و بهداشت نباشد یا بسیار اندک باشد. در برخی تعاریف، فقر بر پویایی فقر یا آسیب‌پذیری تأکید می‌شود که به احتمال کاهش شدید دسترسی به غذا یا کاهش میزان مصرف که موجب ناتوانی افراد در تأمین حداقل نیازهای ضروری می‌شود، اطلاق می‌گردد (داوان، ۱۳۸۸، ص. ۲۳۹). فقر نه فقط در زمان حال؛ بلکه به صورت بالقوه سراسر جریان زندگی ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد. فلاسفه، مجریان طرح‌ها و حتی سیاستمداران در مورد یک چیز؛ این که فقر یک مسأله است، با هم توافق دارند (آلکوک^۳، ۲۰۰۶، ص ۴). مفهوم فقر و محرومیت مربوط به زمانی است که دسترسی به درآمد و دیگر منابع (شخصی، خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی) به قدری نامناسب باشد که مردم را از برخورداری از استانداردهای زندگی و کیفیت زندگی مورد قبول جامعه محروم کند (الکسیدو^۴، ۲۰۰۴، ص ۱۱).

به طور کلی، در زمینه بحث فقر، مفهوم‌سازی‌ها و اظهار نظرهای زیادی صورت گرفته است؛ اما در مورد فقر در نواحی روستایی، مفهوم‌سازی رابرت چمبرز با عنوان «تله محرومیت»، دارای اهمیت ویژه‌ای است. او در این رابطه، پنج عامل زیان‌آور و نامطلوب را که به هم گره خورده‌اند و روستاییان را در تله محرومیت می‌اندازند، مورد تبیین قرار داده است (چمبرز^۵، ۱۳۸۷، ص. ۱۳۴). این عوامل عبارت‌اند از: فقر خانوار، ضعف جسمانی، انزوا، آسیب‌پذیری و بی‌قدرتی. این پژوهش بر مبنای

عوامل مذکور درصدد ارزیابی و تحلیل تله محرومیت در سکونت‌گاه‌های روستایی یکی از محروم‌ترین مناطق کشور (شهرستان قصرقند واقع در جنوب استان سیستان و بلوچستان) است. از آن‌جا که استان سیستان و بلوچستان طبق شواهد موجود، محروم‌ترین یا جزء محروم‌ترین استان‌های کشور است و روستاهای آن با محرومیتی مضاعف نسبت به نقاط شهری روبه‌رو هستند، مطالعه و ارزیابی شاخص‌های فقر در نواحی روستایی این استان از ضرورت‌های اساسی است. ساکنان سکونت‌گاه‌های روستایی شهرستان قصرقند به عنوان جامعه آماری این پژوهش نه تنها از این قاعده مستثنی نیستند؛ بلکه با چالش‌های اقتصادی و اجتماعی بیش‌تری نسبت به سایر مناطق استان مواجه هستند؛ از جمله مهم‌ترین این چالش‌ها در منطقه، مسأله ناهم‌واری‌ها و پراکندگی روستاها، ناکارآمدی نظام خدمات‌رسانی، بهره‌وری بسیار پایین عوامل تولید در بخش کشاورزی، فقدان مکانیسم مناسب اقتصاد نواحی روستایی (روش‌های سنتی تولید، فقدان ضمانت خرید تولیدات و غیره)، نرخ بالای بیکاری و عواملی از این دست قابل ذکر هستند. از این رو، به نظر می‌رسد که حد بالای فقر و محرومیت خانوارهای ساکن در سکونت‌گاه‌های روستایی، شهرستان قصرقند را احاطه کرده است. مطالعات فقر (تله محرومیت) در سکونت‌گاه‌های روستایی می‌تواند راهی برای ارزیابی میزان تحقق برنامه‌های محرومیت‌زدایی و توسعه روستایی، به‌ویژه در بعد اقتصادی و پایداری معیشت روستایی باشد و از این طریق به سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان عرصه توسعه روستایی کشور در هدفمندتر کردن برنامه‌ها کمک کند. بنابراین، پژوهش حاضر با هدف ارزیابی و تحلیل شاخص‌های فقر روستایی (تله محرومیت) مبتنی بر دیدگاه‌های رابرت چمبرز، درصدد پاسخ به این پرسش اساسی برآمده است که: میزان فقر (تله محرومیت) در سکونت‌گاه‌های روستایی شهرستان قصرقند در چه حدی ارزیابی می‌شود و زنجیره آن از چه مسأله یا مسائلی سرچشمه گرفته است؟ تا از این مسیر، بتوان کاستی‌ها، نیازها و مشکلات معیشتی روستاییان را در محدوده مورد مطالعه بهتر شناخت و گام‌های روشن‌تر و مشخص‌تری در راستای محرومیت‌زدایی و بهبود کیفیت زندگی روستایی برداشت.

۲.۱. پیشینه نظری تحقیق

تانسند^۷ (۱۹۸۵) در مطالعات خود درباره فقر در دهه‌های ۹۶۰ و ۱۹۷۰، فقر را این‌گونه تعریف کرده است: افراد، خانواده‌ها و گروه‌های جمعیتی را زمانی می‌توان فقیر به حساب آورد که با نبود منابع برای کسب انواع رژیم‌های غذایی، مشارکت در فعالیت‌ها و شرایط امکانات معمول زندگی مواجه باشند. آتکینسون^۶ (۱۹۸۹) به دو مفهوم فقر اشاره کرده است. در یک مفهوم، فقر به عنوان عدم دسترسی به امکانات معیشتی معینی که طبق آن هرگاه کل هزینه‌ها یا مصرف کالاهای خاصی توسط فرد از حد معینی کم‌تر باشد، فرد فقیر تلقی می‌شود. مفهوم دیگر، حق برخورداری از حداقل خاص از منابع و امکانات اقتصادی و اجتماعی است که اگر درآمد فرد از حداقل معینی پایین‌تر باشد، او به آن‌ها دسترسی نخواهد داشت (پیرایی و شهسوار، ۱۳۸۸، ص. ۲۳۷).

۲. روش‌شناسی تحقیق

۱.۲. قلمرو جغرافیایی تحقیق

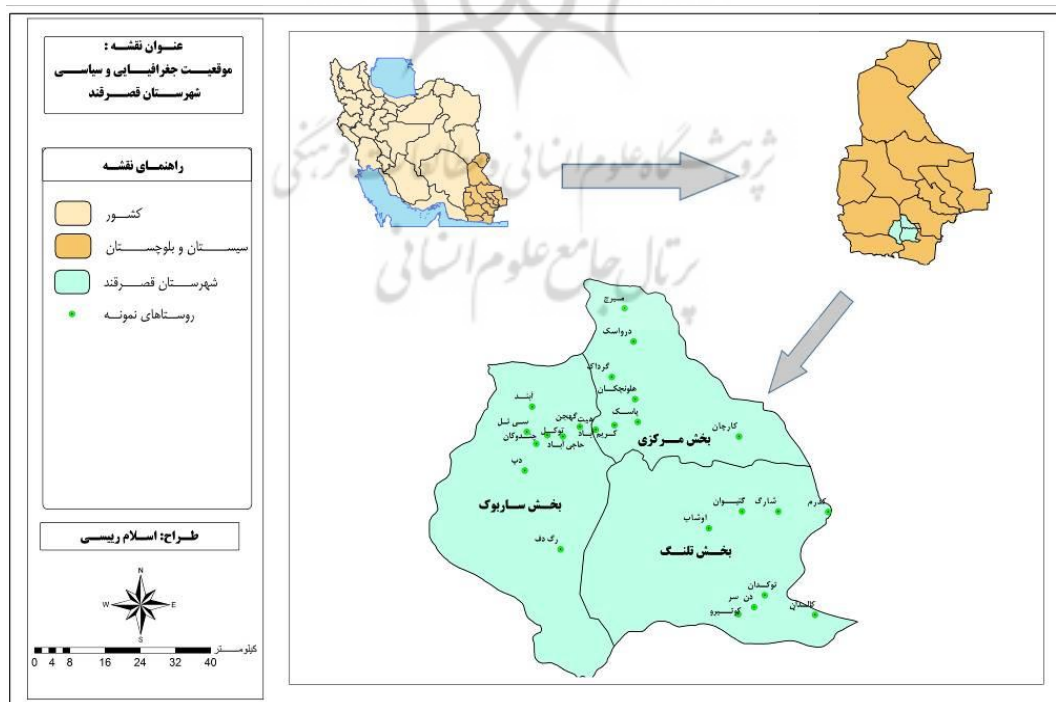
شهرستان قصرقند از نظر موقعیت جغرافیایی در عرض ۲۶ درجه و ۱۴ دقیقه شمالی و طول ۶۰ درجه و ۴۵ دقیقه شرقی قرار گرفته و دارای اقلیمی گرم و خشک است؛ به طوری که

میانگین بارندگی سالانه آن ۱۷۲ میلی‌متر و متوسط دمای سالانه‌اش ۲۹ درجه سانتی‌گراد است (سال‌نامه آماری استان سیستان و بلوچستان، ۱۳۹۰). شهرستان قصرقند دارای سه بخش مرکزی، ساربوک و تلنگ است (شکل ۱).

جمعیت روستایی این شهرستان طبق سرشماری ۱۳۹۰، تعداد ۱۰۷۵۸ خانوار و ۴۷۱۶۴ نفر است. طبق آمار خانه بهداشت روستایی در سال ۱۳۹۴، جمعیت روستاهای نمونه ۱۶۵۴۶ نفر و خانوار نیز ۴۱۲۷ نفر است. در نواحی روستایی شهرستان قصرقند در وضع موجود، طبق آمار جهاد کشاورزی ۷۸۲۱ هکتار زمین زیرکشت، ۱۱۰۰۰ شاغل در بخش کشاورزی و ۲۸۵۰۰ رأس دام وجود دارد.

۲.۲. روش تحقیق

روش این تحقیق، توصیفی-تحلیلی است. جامعه آماری آن همه ساکنان روستایی شهرستان قصرقند (واقع در منطقه جنوبی استان سیستان و بلوچستان) هستند. جامعه آماری شامل ۴۷۳۲۵ نفر و حجم نمونه ۲۴ روستا و ۳۳۵ سرپرست خانوار روستایی است که به طور تصادفی و براساس نسبت جمعیت روستاها و با استفاده از روش کوکران حاصل شد.



شکل ۱- موقعیت سیاسی و جغرافیایی محدوده مورد مطالعه (شهرستان قصرقند)

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۳

۳.۲. متغیرها و شاخص‌های تحقیق

شاخص‌ها و متغیرهای پژوهش پس از بررسی مبانی و پیشینه نظری و مطالعه مقدماتی محدوده مورد مطالعه استخراج شد (جدول ۱). اطلاعات و داده‌های تحقیق از طریق منابع کتابخانه‌ای و عملیات میدانی (تکمیل پرسش‌نامه) گردآوری شد. پرسش‌نامه با بررسی مفاهیم و تعریف عملی

متغیرها و نیز با استفاده از نظر کارشناسان موضوع، روایی شد. جهت بررسی پایایی پرسش‌نامه به روش پیش‌آزمون عمل شد و از طریق آلفای کرانباخ با ۳۰ نمونه، ضریب آن ۰/۸۳۹ به دست آمد که مقدار قابل قبولی است. داده‌های حاصل شده به کمک روش‌های آماری (میانگین، آزمون t و هم‌بستگی) در محیط نرم‌افزار SPSS مورد پردازش و تحلیل واقع شد.

جدول ۱- شاخص‌ها و معرف‌های مورد بررسی در این پژوهش

مأخذ: رابرت چمبرز، ۱۳۸۷ و یافته‌های پژوهشی تحقیق، ۱۳۹۳

شرح	شاخص‌ها	متغیرها
داده‌های پژوهشی	فقر خانوار	دارایی پولی و کالایی ناچیز، مسکن و سرپناه نامناسب، پوشاک کم و کهنه، ناچیزبودن اثاث منزل، فقدان توالی بهداشتی، مقروض‌بودن، ذخایر کم مواد غذایی، وابستگی به دولت
	ضعف جسمانی	نسبت بالای وابستگی افراد ناتوان و بیمار به بزرگسال سالم، درمضیقه‌بودن نیروی کار از نظر انرژی و وقت، کیفیت و تنوع پایین تغذیه، مرگ‌ومیر زیاد کودکان، وزن کم نوزادان و بازماندگی آن‌ها از رشد
	انزوا	دوری از مراکز برتر خدماتی، دسترسی ضعیف به رسانه‌ها و مطبوعات و کسب اطلاعات، سواد پایین، عدم تحصیل یا ترک تحصیل فرزندان، فقدان یا ضعف مشارکت، فقدان مسافرت تفریحی، فقدان دریافت راهنمایی از مأموران ترویج و بهداشت
	آسیب‌پذیری	در مقابل خطرات طبیعی و حوادث، بیماری‌ها، نیازها و مصیبت‌های اجتماعی
	بی‌قدرتی	عدم شناخت قانون، عدم آگاهی حقوقی، رقابت با دیگران برای اشتغال و خدمات در شرایط یکسان، قدرت چانه‌زنی ناچیز

۳. مبانی نظری تحقیق

فقر نسبت به محیط فیزیکی و اجتماعی، موقعیت شخصی و نیازهای مادی و فرهنگی شخص یا گروه مفاهیمی نسبی است. بنابراین، فقر به هیچ‌وجه واژه‌ای تک‌معنایی یا تک‌مفهومی مطلق نیست (ساجز، ۲۰۰۷ و بون فیگلایولی^۹، ۲۰۰۵). تعاریف و مفاهیم متعددی از فقر توسط صاحب‌نظران ارائه شده است. یفولین، فقر را چیزی فراتر از عدم تکافوی درآمد یا توسعه انسانی پایین می‌داند و معتقد است که فقر همان آسیب‌پذیری، نبود قدرت و ابراز عقیده است (یافولین^{۱۰}، ۲۰۰۶). سری وان می‌گوید فقرا افرادی هستند که قادر به تأمین غذا، پوشاک و مسکن در سطح حداقل نیستند (اس ریوان^{۱۱}، ۲۰۰۰). وارف نیز فقر را عبارت از نارسایی در تأمین نیازهای اجتماعی می‌داند؛ شرایطی که در آن دسترسی به کالاها و خدمات کم‌تر از حد آستانه است (وارف^{۱۲}، ۲۰۰۶). در کل، فقر پدیده‌ای چندبعدی است؛ یعنی نه تنها شامل بعد اقتصادی برای ارضای نیازهای اساسی؛ بلکه شامل بعد انسانی، فیزیکی، زیست‌محیطی، اجتماعی و سیاسی نیز هست (زیلر^{۱۳}، ۲۰۰۶، ص. ۴۶۶).

به نظر رابرت چمبرز از میان پنج عامل زیان‌آور که پیش‌تر مطرح شد، آسیب‌پذیری و بی‌قدرتی باید مورد شناخت و تحلیل بیش‌تری قرار گیرند. آسیب‌پذیری به معنای نبود یا کمبود تأمین در برابر پیشامدهای احتمالی است. این پیشامدها شامل رسوم اجتماعی (مانند هزینه ازدواج، مرگ‌ومیر و غیره)، بلایای طبیعی، ناتوانی‌های جسمانی (بیماری، حوادث و زایمان‌های پی‌درپی)، هزینه‌های بی‌بازگشت و استثمار است. به عقیده او این مسائل به تداوم فقر دامن می‌زند؛ به طوری که فقرا ناگزیر از فروش دارایی خود می‌شوند و این امر فقرا را فقیرتر و آسیب‌پذیرتر می‌کند. بی‌قدرتی ناشی از اعمال قدرت نخبگان روستایی است. گروه آن‌ها منافی را که به نیت فقرزدایی به روستاها سرازیر می‌شود، به خود اختصاص می‌دهد. این کار از راه حقه‌بازی یا استفاده از ناتوانی فقرا در چانه‌زنی، به‌ویژه زنان و افراد ناتوان از نظر فیزیکی صورت می‌پذیرد.

از دیدگاه چمبرز، «فقر» قوی‌ترین عامل تعیین‌کننده است. فقر از طریق فقدان غذا و سوءتغذیه به ضعف جسمانی کمک می‌کند و منجر به واکنش‌های دفاعی ضعیف بدن در

دارند. خانواده‌های دورافتاده ممکن است سطح بالایی از مهاجرت افراد سالم به شهرها و سایر نواحی داشته باشند. انزوا هم‌چنین، به تقویت آسیب‌پذیری در برابر رویدادها منجر می‌شود. مناطق حاشیه‌ای دوردست بیش‌تر در معرض خطر از دست‌دادن محصول به خاطر آفت‌زدگی هستند و به دلیل تجهیزات محدود در مقابل آسیب‌هایی؛ مانند قحطی و بیماری کم‌تر تاب می‌آورند. فقر و نبود آموزش با هم رابطه دارند و برای نابودی توده‌ی درهم‌تنیده‌ی آسیب‌پذیری باید موانع بسیاری را پشت سر گذاشت (چمبرز، ۱۳۸۷، ص. ۱۳۸). نبود سرمایه‌های انسانی باعث محرومیت کودکان از آموزش می‌شود و والدین را مجبور می‌کند که آن‌ها را به کار بگمارند که این خود موجب تداوم فقر می‌شود. در نواحی دورافتاده نیز مشکلات دسترسی به بازار زیاد و رقابت و اطلاعات بسیار کم است؛ به عبارتی، فقرا بیش‌تر در روستاهای دوردست و حاشیه‌ای زندگی می‌کنند که بیش‌تر راه ارتباطی مناسب ندارند؛ افزون بر این، روستاییان بیش‌تر با نارسایی‌های بازار؛ مانند سیستم‌های اطلاعاتی ضعیف، پراکندگی جغرافیایی فعالان بازار و زیرساخت‌های ارتباطی و حمل‌ونقل نامناسب روبه‌رو هستند و در کل، فقرای روستایی نسبت به دیگران از این مشکلات بیش‌تر متضرر می‌شوند (داوان، ۱۳۸۸، صص. ۱۹۱ و ۲۵۱).

آسیب‌پذیری در بسیاری از زنجیره‌های محرومیت نقش دارد. ارتباط آن را با فقر، زمانی می‌توان دریافت که فرد برای تحمّل آسیب‌های ناخواسته ناگزیر به گرو گذاشتن و فروش قسمتی از دارایی خود می‌شود. آسیب‌پذیری با ضعف جسمانی به دلیل مبارزه با رویدادهای غیراحتمالی ارتباط پیدا می‌کند؛ زیرا فرد آسیب‌دیده ناگزیر است به جای پول از انرژی و وقت خود هزینه کند. ضعف جسمانی با انزوا از این جهت که به دنبال بروز رویدادهای ناگهانی ناگزیر به مناطق دیگری نقل مکان می‌کند و یا از لحاظ اجتماعی روابط خود با دیگران را کاهش می‌دهد، ارتباط دارد و سرانجام، با بی‌قدرتی به علت این که فقرا به ارباب (دولت، نهادها یا شرکت‌ها) وابسته هستند، مرتبط می‌باشد (چمبرز، ۱۳۸۷، ص. ۱۴۱). سرانجام، بی‌قدرتی به شیوه‌های گوناگون و نه تنها از طریق استثمار قدرتمندان به استمرار فقر کمک می‌کند. بی‌قدرتی، امکان دست‌یابی فقرا به منابع دولتی، جبران قانونی در مقابل تجاوز

مقابل بیماری‌های عفونی و ناتوانی در دست‌یابی به خدمات بهداشتی و آموزشی می‌شود. ناتوانی در پرداخت هزینه آموزش منجر به انزوای افراد می‌شود. به طور کلی، نبود دارایی جهت پرداخت هزینه‌های بزرگ یا مقابله با حوادث احتمالی سبب آسیب‌پذیری می‌شود. نبود ثروت نیز با پایین‌بودن منزلت همراه است و چون فقرا توانی ندارند، از این رو، فقر به بی‌قدرتی آن‌ها می‌انجامد (چمبرز، ۱۳۸۷، ص. ۱۳۵)؛ به بیانی دیگر، کسانی که دچار فقر شدید هستند، سه‌چهارم درآمدشان را صرف تأمین غذا می‌کنند. از آن جایی که دارایی فقرا ناچیز است، آن‌ها مجبورند با فروش نیروی کار خود زندگی کنند (داوان، ۱۳۸۸، صص. ۱۹۳-۱۹۲).

ضعف جسمانی یک خانواده از چند راه به فقر منجر می‌شود: از راه بهره‌وری پایین، تضعیف نیروی کار به خاطر بیماری و غیره. فقرا به دلیل نداشتن وقت و انرژی جهت شرکت در جلسات یا دنبال کردن اطلاعات به انزوا کشیده می‌شوند (چمبرز، ۱۳۸۷، ص. ۱۳۶). سوءتغذیه یکی از نشانه‌های فقر است و میلیون‌ها کودک در کشورهای در حال توسعه دچار کم‌وزنی هستند که حتی نوع خفیف این کم‌وزنی خطر مرگ را افزایش می‌دهد و مانع از پرورش صحیح روح و جسم افراد می‌شود (داوان، ۱۳۸۸، ص. ۱۸۷). وجود بیماری سخت در خانوار نیز خطر بزرگی محسوب می‌شود و وقتی که عضو نان‌آور خانوار فقیر، بیمار می‌شود، منابع درآمدی خانوار به طور قابل ملاحظه‌ای، کاهش می‌یابد. در نهایت، این وضعیت می‌تواند خانوار را بسیار درمانده کند؛ زیرا ممکن است مجبور شود برای تأمین هزینه درمان، دارایی خود (دام، زمین، وسایل با ارزش مصرفی) را یک‌جا و با قیمت ارزان بفروشد؛ علاوه بر این، وجود فرد بیمار در خانوار نیاز به مراقبت دارد و مراقبت از بیمار، منابع خانوار را تحلیل می‌برد و توانایی تولید آن را کاهش می‌دهد. این تأثیر دوسویه موجب قوی‌تر شدن دور باطل فقر می‌شود و خانوار روستایی را ضعیف می‌کند (داوان، ۱۳۸۸، صص. ۲۴۶-۲۴۷).

انزوا (به معنی فقدان آموزش، دورافتادگی، خارج‌از دسترس بودن) فقر را تقویت می‌کند. خدمات به افراد دوردست به درستی نمی‌رسد. بی‌سوادان نمی‌توانند اطلاعاتی پیرامون ارزش‌های اقتصادی داشته باشند و کسب اعتبار و وام برای آن‌ها دشوار است. انزوا و ضعف جسمانی با هم، هم‌راهی

کردند. از نظر اندازه خانوار نیز ۶ درصد خانوارها کم‌تر از ۳ نفر، ۵۷/۹ درصد ۳ تا ۵ نفره ۳۶ درصد بالای ۵ نفر می‌باشند.

با توجه به دیدگاه‌های چمبرز، میزان فقر در نواحی روستایی شاخص‌هایی را در بر می‌گیرد که زنجیروار به هم گره خورده‌اند. از این رو، به منظور تبیین زنجیره یا تله محرومیت در محدوده مورد مطالعه، ابتدا میزان فقر در هر یک از شاخص‌ها اندازه‌گیری شد و سپس، هم‌بستگی درونی بین شاخص‌های فقر مورد بررسی قرار گرفت. جهت ارزیابی شاخص‌های تله محرومیت، یافته‌های حاصل از آزمون t تک نمونه نشان می‌دهد که میزان فقر از نظر تمامی شاخص‌های مورد بررسی و به طور کلی، «تله محرومیت»، با توجه سطح معناداری آن (که زیر ۰/۰۵ است) از نظر آماری تأیید می‌شود و از آن‌جا که کران‌های بالا و پایین مثبت هستند، میزان آن در حد بالا؛ یعنی بیش‌تر از حد متوسط نظری (۳) ارزیابی می‌شود. با توجه به میانگین شاخص‌ها، میزان فقر در محدوده مورد مطالعه در شاخص‌های بی‌قدرتی و انزوا به ترتیب، بالاتر و در شاخص فقر خانوار از همه پایین‌تر است (جدول ۲)

یافته‌های حاصل از هم‌بستگی پیرسون به‌جز هم‌بستگی بین فقر خانوار و آسیب‌پذیری، بین فقر خانوار و بی‌قدرتی، بین ضعف جسمانی و آسیب‌پذیری و بین آسیب‌پذیری و بی‌قدرتی که معنادار نیست، بیان‌گر وجود هم‌بستگی درونی بین سایر شاخص‌ها است. این هم‌بستگی درونی در بین همه شاخص‌ها مستقیم و مثبت است؛ به این معنی که افزایش یکی با افزایش دیگری همراه بوده و عکس قضیه نیز درست است.

در این میان، بیش‌ترین هم‌بستگی بین فقر خانوار و ضعف جسمانی (۰/۳۹۸) و کم‌ترین آن بین ضعف جسمانی و بی‌قدرتی (۰/۱۵۵) برقرار است. همچنین، بین فقر خانوار و انزوا (۰/۳۶۰) و بین انزوا و بی‌قدرتی (۰/۳۲۰) هم‌بستگی نسبی بیش‌تری وجود دارد؛ یعنی افزایش فقر با گسترش انزوا و افزایش انزوا با گسترش بی‌قدرتی همراهی می‌کند؛ علاوه بر این، هم‌بستگی بین ضعف جسمانی و انزوا (۰/۳۰۲) و بین انزوا و آسیب‌پذیری (۰/۲۳۵) نیز تأیید می‌شود که نشان‌دهنده افزایش ضعف جسمانی هم‌گام با گسترش انزوا و نیز همراهی گسترش انزوا با افزایش آسیب‌پذیری در نواحی روستایی مورد مطالعه است (جدول ۳).

به حقوق آن‌ها و توانایی منازعه آن‌ها بر سر میزان دست‌مزد را محدود یا سلب می‌کند. همچنین، در مواقع فروش ضروری نیازمندی‌های زندگی، قدرت گفت‌وگو را از آن‌ها می‌گیرد و دربردارنده تأثیر ناچیز آن‌ها بر دولت جهت تأمین خدمات نواحی فقیرنشین می‌باشد؛ علاوه بر این، فقرا به خاطر بی‌قدرتی نمی‌توانند در مواقع بروز قحطی نیازهای غذایی خود را فراهم کنند. انزوا با بی‌قدرتی مرتبط است؛ زیرا فقرا آن قدر بی‌قدرت هستند که به کمک‌های دولتی و سایر منابع به‌درستی دسترسی پیدا نمی‌کنند. سرانجام، بی‌قدرتی سبب می‌شود که فقرا هنگام بروز نیازهای پیش‌بینی‌نشده؛ مانند پرداخت بدهی خود، مورد پیگرد، جریمه، زندان و یا نیاز به پرداخت رشوه در یک کشمکش، آسیب‌پذیر باشند (چمبرز، ۱۳۸۷، ص. ۱۴۵)؛ به عبارتی دیگر، فقرا برای افزایش درآمد خود به فناوری نیاز دارند. آن‌ها همچنین، باید به بازار دسترسی داشته باشند تا بتوانند تولیدات خود را آزادانه و با سود بیش‌تر ارائه کنند؛ اما فقرا هنوز به دلیل ضعف بازار و قدرت افراد با نفوذ در آن، توزیع نامناسب درآمدها که ناشی از اعمال نفوذ افراد موفق در بازار است و نیز موانعی که در دسترسی به آن وجود دارد، تضعیف می‌شوند (داوان، ۱۳۸۸، ص. ۱۹۵).

۴. یافته‌های تحقیق

براساس داده‌های میدانی، از لحاظ وضعیت سنی ۴۶/۹ درصد پاسخ‌دهندگان بین سن ۱۵ تا ۳۵ سال، ۲۵/۱ درصد بین ۳۶ تا ۴۵ سال، و ۲۸/۱ درصد در سن بالای ۴۵ سال قرار دارند. از لحاظ میزان تحصیلات، بیش‌تر سرپرستان خانوار (۵۳/۴ درصد) کاملاً بی‌سواد، ۲۷/۲ درصد دارای تحصیلات زیر دیپلم، ۷/۸ درصد دیپلم، ۶/۹ درصد فوق دیپلم و ۴/۸ درصد دارای تحصیلات لیسانس و بالاتر هستند. همچنین، از نظر وضعیت شغلی ۳۵/۵ درصد جامعه نمونه دارای شغل کشاورزی و دامداری، ۸/۵ درصد پیشه‌وری (مغازه‌داری و رانندگی و غیره)، ۲۰/۶ درصد کارگری، ۹/۹ درصد کارمند، ۷/۲ درصد دارای مشاغل آزاد و ۱۸/۴ درصد بیکار هستند. از لحاظ وضعیت درآمد متوسط ماهیانه بدون احتساب یارانه‌ها، ۳۸/۸ درصد خانوارهای نمونه، درآمد کم‌تر از ۲۰۰ هزار تومان، ۳۰/۱ درصد بین ۲۰۰ تا ۴۰۰ هزار، ۲۰ درصد بین ۴۰۰ تا ۶۰۰ هزار و فقط ۱۱ درصد بیش‌تر از ۶۰۰ هزار تومان را اظهار

جدول ۲- ارزیابی تله محرومیت در نواحی روستایی با آزمون t تک نمونه

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۳

test value = 3							شاخص‌ها
سطح اطمینان ۹۵ درصد		اختلاف میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی	مقدار t	میانگین جامعه	
کران پایین	کران بالا						
۰/۳۳۰۱	۰/۳۳۳۷	۰/۲۷۶۹	۰/۰۰۰	۳۳۴	۱۱/۶	۳/۲۸	فقر خانوار
۰/۵۵۵۲	۰/۶۹۱۱	۰/۶۲۳۱	۰/۰۰۰	۳۳۴	۱۸/۰۴	۳/۶۲	ضعف جسمانی
۰/۸۱۰۵	۰/۹۲۴۱	۰/۸۶۷۳	۰/۰۰۰	۳۳۴	۳۰/۰۳	۳/۸۷	انزوا
۰/۴۱۵۹	۰/۵۲۲۹	۰/۴۶۹۴	۰/۰۰۰	۳۳۴	۱۷/۲	۳/۴۷	آسیب‌پذیری
۰/۹۷۹۳	۱/۰۸۷	۱/۰۳۳	۰/۰۰۰	۳۳۴	۳۷/۵	۴/۰۳	بی‌قدرتی
۰/۵۶۴۴	۰/۶۳۲۴	۰/۵۹۸۴	۰/۰۰۰	۳۳۴	۳۴/۶	۳/۶	تله محرومیت

جدول ۳- بررسی هم‌بستگی درونی بین شاخص‌های تله محرومیت

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۳

بی‌قدرتی	آسیب‌پذیری	انزوا	ضعف جسمانی	فقر خانوار	شرح
۰/۰۲۴	-۰/۰۵۲	۰/۳۶۰**	۰/۳۹۸**	۱	ضریب هم‌بستگی
۰/۶۵۸	۰/۳۳۹	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	—	سطح معناداری
۰/۱۵۵**	-۰/۰۳۵	۰/۳۰۲**	۱	—	ضریب هم‌بستگی
۰/۰۰۴	۰/۵۲۴	۰/۰۰۰	—	—	سطح معناداری
۰/۳۲۰**	۰/۲۳۵**	۱	—	—	ضریب هم‌بستگی
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	—	—	—	سطح معناداری
۰/۰۱۸	۱	—	—	—	ضریب هم‌بستگی
۰/۷۳۷	—	—	—	—	سطح معناداری
۱	—	—	—	—	ضریب هم‌بستگی
—	—	—	—	—	سطح معناداری

۵. بحث و نتیجه‌گیری

هستند. بررسی رتبه میانگین شاخص‌های تله محرومیت نیز نشان داد که شاخص‌های بی‌قدرتی و انزوا به ترتیب، بالاترین و شاخص فقر خانوار پایین‌ترین درجه میانگین از میزان فقر در منطقه را به خود اختصاص داده‌اند. هم‌چنین، هم‌بستگی درونی و مستقیم سایر شاخص‌ها با هم‌دیگر (به‌جز هم‌بستگی بین فقر خانوار و آسیب‌پذیری، بین فقر خانوار و بی‌قدرتی، بین ضعف جسمانی و آسیب‌پذیری و بین آسیب‌پذیری و بی‌قدرتی که معنادار نبود) مورد تأیید قرار گرفت. این‌گونه استنباط می‌شود که چالش‌ها و ضعف‌های اقتصاد روستایی منطقه؛ به‌خصوص در بخش کشاورزی به عنوان منشأ تله محرومیت، مستقیماً بر کاهش درآمد و قدرت خرید (تضعیف توان اقتصادی روستاییان) تأثیر اساسی گذاشته و به طور

با توجه به یافته‌های پژوهش، میزان فقر یا شاخص‌های تشکیل‌دهنده تله محرومیت در نواحی روستایی مورد مطالعه در حد بالایی ارزیابی شد که بیان‌گر چالش جدی معیشت در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، نهادی، محیطی و فردی در روستاهای منطقه است که گریبان‌گیر زندگی مردم روستایی در شهرستان قصرقند است. از مهم‌ترین علل این مسأله، پراکندگی و انزوای جغرافیایی سکونت‌گاه‌ها، ضعف زیرساخت‌های آموزشی، درمانی و خدماتی-رفاهی و از همه مهم‌تر ضعف منابع و امکانات تولیدی (بهره‌وری بسیار پایین بخش کشاورزی و فقدان توجه به اقتصاد غیرکشاورزی از جمله صنایع تبدیلی و صنعت گردش‌گری روستایی) قابل ذکر

غیرمستقیم از این مسیر بر بی‌قدرتی (که از ناتوانی روستاییان در بازاریابی محصولات روستایی و نفوذ نخبگان و دلالان در بازار و نیز فقدان دسترسی به امکانات دولتی و غیره منشعب می‌شود) مؤثر افتاده و اجتماعات روستایی را منزوی کرده و به تبعیت از آن، در برابر خطرات طبیعی و مصیبت‌های اجتماعی-اقتصادی به شدت آسیب‌پذیر کرده است که بارزترین نمود آن آسیب‌پذیری در برابر خطرات سیل و خشک‌سالی از یک سو و ناتوانی در تأمین هزینه‌های لازم جهت تحصیل و ازدواج و غیره فرزندان از سوی دیگر است. از طرفی، توان اقتصادی ضعیف روستاییان تا حد نسبتاً زیادی با ضعف جسمانی و انزوای اجتماعات روستایی وابسته است؛ زیرا اقتصاد ضعیف روستاها پیامدهایی؛ هم‌چون کیفیت و تنوع پایین تغذیه، تضعیف سلامت و نیز عدم توان پرداخت هزینه‌های آموزش و درمان و غیره را در پی داشته که به ضعف جسمانی و انزوا منجر شده است؛ علاوه بر این، بی‌سوادی و سواد بسیار پایین سرپرستان خانوار (۵۳/۴ درصد کاملاً بی‌سواد و ۲۷/۲ درصد زیر دیپلم) تا حد زیادی به گسترش انزوا کمک کرده است. هم‌چنین، توپوگرافی منطقه و پراکندگی جغرافیایی زیاد روستاهای شهرستان قصرقند و مشکلات دسترسی این روستاها به مراکز نافذ خدماتی جهت تأمین معیشت و تبادل اقتصادی، نواحی روستایی را در انزوا قرار داده و خدمات‌رسانی و حمل‌ونقل را با دشواری مواجه کرده است. می‌توان گفت عامل انزوا از این منظر به محرومیت روستاییان منجر شده است. در کل، با توجه به مباحث مطرح‌شده، انزوا نیز با تقویت آسیب‌پذیری، دایره فقر را بر روستاییان تنگ‌تر کرده که این امر بر بی‌قدرتی روستاییان جهت احقاق حقوق خود به خاطر نفوذ متنفذان، دلالان و عدم توان دسترسی مناسب به تسهیلات و اعتبارات دولتی و غیره، افزوده است. ضعف جسمانی نیز مستقیماً از طریق کاهش وقت و انرژی و نیز ضعف سلامت، به تضعیف بنیة اقتصادی و به تبعیت از آن، به گسترش انزوا و به طور غیرمستقیم به آسیب‌پذیری بیش‌تر روستاییان منجر شده و به افزایش بی‌قدرتی می‌انجامد. همۀ این موارد بیان‌گر یک دور باطل فقر و به عبارتی، تله محرومیت روستایی است که تا حد زیادی با دیدگاه‌های رابرت چمبرز انطباق دارد.

به طور کلی، نتایج پژوهش، بیان‌گر ضعف بنیان‌های اقتصاد روستایی و فقدان سیاست‌گذاری مناسب و برنامه‌ریزی هدفمند جهت سامان‌دهی اقتصاد روستایی مبتنی بر پتانسیل‌ها و استعدادهای محلی و نیز حمایت‌های بیرونی (دولت) است که روستاییان منطقه را به طور جدی در تله محرومیت انداخته است. لطمه جدی بخش کشاورزی (به‌ویژه باغداری) به عنوان ستون اقتصادی روستاهای منطقه، مسائلی از قبیل ضعف درآمد و قدرت خرید و به تبعیت از آن، ضعف سلامت و قدرت جسمانی و نیز انزوا را در پی داشته و در نهایت، به آسیب‌پذیری در برابر انواع بلایا و مصیبت‌ها و بی‌قدرتی در تأمین معیشت و اداره زندگی، منجر شده است. این زنجیره پیوسته، تله محرومیت روستایی در شهرستان قصرقند را تشکیل می‌دهد که قابل‌تعمیم به تمام روستاهای این شهرستان است. از این رو، نتایج پژوهش بیان‌گر عدم توجه لازم به تأمین امکانات زیربنایی مورد نیاز جمعیت روستایی منطقه؛ مخصوصاً فقدان توجه به ایجاد و توسعه زیرساخت‌های اقتصاد روستایی و سامان‌دهی اقتصاد بخش کشاورزی و نیز فقدان توجه لازم به اقتصاد دامداری و زراعت است.

در این راستا توصیه می‌شود پروژه‌های محرومیت‌زدایی در چهارچوب سیاست‌های دولت برای رفع محرومیت توسعه‌نیافته کشور و برنامه‌های فرادستی در زمینه‌های توسعه و سامان‌دهی باغداری انبه و خرما در بخش‌های مرکزی و ساربوک و سامان‌دهی دامداری و زراعت دیم (کشت حبوبات) در بخش تلنگ صورت گیرد.

یادداشت‌ها

1. Dhawan
2. Woods
3. Alcock
4. Alexis
5. Chambers
6. Atkinson
7. Townsend
8. Sánchez
9. Boone Figlayuli
10. Yafvlyn
11. Riven
12. Wharf
13. Ziller

کتابنامه

1. Alcock, P., (2006). *Understanding poverty*. London: Palgrave Macmillan.
2. Alexiadou, N. (2002). Social inclusion and social exclusion in England: tensions in education policy. *Journal of Education Policy*, 17(1), 71-86.
3. Bonfiglioli, A. (2007). *Food and the poor*; United Nation Capital Fund, New York.
4. Chambers, R. (1388/2009). *The Rural Development priority to the poor*. (M. Azkiya, Trans.). Tehran, Iran: University of Tehran Press. [In Persian]
5. Dhawan, M. L. (1389/2010). *The rural of development priorities*. (M. Taleb Trans.). Tehran, Iran: University of Tehran Press. [In Persian]
6. Lin, J. Y., & Liu, P. (2008). Economic Development Strategy, Openness and Rural Poverty: A Framework and China's Experiences. In *Globalization and the Poor in Asia* (pp. 135-168). Palgrave Macmillan UK.
7. Pirahi, Kh. & Shahsavari, M. R. (1390/2011). The situation in urban and rural areas of Fars province. *Economic Research*, 2(9), 233-264. [In Persian]
8. Saches, J. D. (2005). *The end of poverty, economic possibilities for our time*. The Penguin Press, New York.
9. Srinivasan, T. N. (2000). Poverty and undernutrition in South Asia. *Food Policy*, 25(3), 269-282.
10. Warf, B. (2006). *Encyclopedia of human geography*. Sage Publication, USA.
11. Woods, M. (1391/2012). *The rural of geography (processes, reactions and experiences the rural of rebuild)*. (M.R. Rezvani & S. Farhadi, Trans.), Tehran, Iran: University of Tehran Press. [In Persian]
12. Zeller, M., Sharma, M., Henry, C., & Lapenu, C. (2006). An operational method for assessing the poverty outreach performance of development policies and projects: Results of case studies in Africa, Asia, and Latin America. *World Development*, 34(3), 446-464.

Investigating and Analyzing of Deprivation Trap in Rural Settlements (Case Study: Qasreqand County)

Islam Raiesi*¹ – Mohtaj Raiesi²

1- MSc. in Geography and Rural Planning, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

2- MSc. in Financial Management, International University of Sistan & Baluchistan, Zahedan, Iran.

Received: 15 April 2016

Accepted: 18 July 2016

Extended abstract

1. INTRODUCTION

It is believed that most of the world's poor, are rural and is common and chronic poverty in the rural areas. The issue of poverty and its measurement and different ways of poverty alleviation and development in the economic literature, has a special place. This place has gained in the past decades. In general, in relation to the issue of poverty conceptualized and many comments been done. But in the case poverty in the rural areas, the concept of Robert Chambers the titled has the special significance "deprivation trap", has the special significance. She in this regard, in this regard, five of the harmful and undesirable was explained. These factors include: household poverty, poor health, isolation, vulnerability and powerlessness. In the trying to evaluate and analyze the trap of deprivation in rural settlements is one of the most deprived areas of the country (Qasreqand County located in the southern province of Sistan and Baluchistan).

2. THEORETICAL FRAMEWORK

The poverty compared to the social and physical environment, personal status and material and cultural needs of the person or group is a relative concept. In this research, is been paid the theory Robert Chambers. Robert Chambers believes in the trap of deprivation, vulnerability and powerlessness should be more study. From the perspective of Chambers, "poverty" is the most powerful determining factor. In this regard, the vulnerability has a role in the many chains deprivation. Its relationship to poverty when can be received that Person to endure the inevitable collateral of damage will be Pledge and selling part of its assets.

3. METHODOLOGY

The method of this research is analytic. The study population, are all rural residents Qasreqand County (Qasreqand County located in the southern province of Sistan and Baluchistan). Indicators of

Research was extracted from the theoretical basis and preliminary study from the study area. Information and data through were collected library research and field work (questionnaires). In order to test reliability, the method of operation and through Cronbach Alpha test with 30 samples, the ratio was 0.839, which is an acceptable value. Research data were processed using statistical methods, t-test and correlation and analyzed in SPSS software.

3. DISCUSSION

The Review Rating Average indices of deprivation trap of powerlessness and isolation also indicated that the highest and lowest level of average household poverty index of poverty in the region is allocated. As well as internal and direct relationship with each other indices (except the correlation between household poverty and the vulnerability, between household poverty and powerlessness, physical weakness and vulnerability between the vulnerability and powerlessness that was not statistically significant) was approved. Indirectly from the path of powerlessness (the inability of villagers in rural product marketing and elite influence of speculators in the market and lack of access to government facilities and etc. can be split) were effective in rural and isolated communities and to follow it against natural hazards and disasters is socially and economically vulnerable.

Additionally, illiteracy and with low literacy heads of households (53.4 and 27.2 percent high school diploma ignoramus percent) greatly contributed to the spread of isolation. Well as the topography the region and the geographical distribution of many Qasreqand County of villages and access problems penetrating the rural service centers to secure livelihoods and economic exchange, rural areas and put in isolation and transportation service has faced with difficulty. It can be said from the point of view of isolation has led to the exclusion of the villagers.

In general, the discussions, isolation and the vulnerability by strengthening the circle tighter on rural poverty. This is on powerlessness villagers for their rights to infiltrate influential power brokers and the lack of convenient access to government facilities and funds and etc. is added. All these cases represent a vicious circle of poverty and deprivation trap, ie village, which largely corresponds with the views of Robert Chambers.

5. CONCLUSION

Overall results is indicate weakness rural economic base of and the absence of appropriate policy and purposeful planning to organize the rural economy based on local potentials and talents, as well as the support of the outer (the government). The Villagers seriously the trap of deprivation is thrown. Serious dent agricultural sector (especially fuel) as the economic pillar villages of the region, issues such as lack of income and purchasing power and to comply with health and physical

strength as well as weakness and isolation lead eventually to the vulnerability led to disasters and tragedies and powerlessness in the livelihoods and living administration.

This continuous chain the rural of deprivation in Qasreqand of county degree that can be generalized to all areas of the county. The results indicate a lack of the necessary infrastructure facilities needed to provide the rural population, especially the lack of attention to the development of rural economic infrastructure and organization of the economy the agricultural sector (fuel, mining dates citrus Mango) Sarbouk, especially in the sectors and Central and lack of attention to non-farm economy, including the economy, fishing, livestock and agriculture is the Talang District.

Key words: Poverty, trap of deprivation, rural areas, Qasreqand County.

How to cite this article:

Raiesi, I. & Raiesi, M. (2017). Investigating and analyzing of deprivation trap in rural settlements (Case study: Qasreqand County). *Journal of Research & Rural Planning*, 5(4), 175-185.

URL <http://dx.doi.org/10.22067/jrrp.v5i4.55146>

ISSN: 2322-2514

eISSN: 2383-2495